

دکتر خسرو فرشیدورد

دستور تاریخی زبان فارسی

پیشوند می و تحول آن در زبان فارسی

تحول می از لحاظ معنایی و از نظر وظایف دیگر آن

«می» را از لحاظ معنایی و وظایف دستوری آن اینگونه میتوان مورد

بررسی قرارداد:

۱- از لحاظ رابطه آن با وجه فعل.

۲- از لحاظ رابطه آن با نمود فعل و از لحاظ جنبه استمراری آن.

۳- از جنبه های دستوری و معنایی دیگر.

۱- «می» و وجه فعل - می امروز در مضارع نشانه وجه اخباریست و

در برابر «به» قرار دارد مانند «میرود» و «میگوید» در مقابل «برود» و «بگوید»

اما در ماضی گاهی بوجه اخباری دلالت میکند و آن هنگامیست که استمرار و

عادت را برساند. مانند او هر روز بمدرسه میرفت، او دیشب ساعت ۸ کتاب

میخواند و گاهی نیز نشانه وجه التزامی و احتمالی است^۱ و آن هنگامیست که در

۱- در قدیم وظیفه امروزی «می» را در مورد (دلالت آن بر احتمال) نسوند «ای»

بعهدده داشته است مانند اگر دانستمی آنرا آهسته میزدم (دارابنامه بیغمی ص ۸۸۵ ج ۱)

ما را بایستی که صدهزار سوار با خود آوردی (همان کتاب ص ۷۱۵ ج ۱) یعنی میدانستم

ومی آوردم. کاش آنان که عیب من کردند - رویت ای دلستان بدیدندی (سعدی)

یعنی میدیدند.

جمله‌های پیروشرطی و لزومی قرار گیرد و همچنین وقتی که باکاش و شاید و غیره بیاید مانند اگر می‌آید خوب بوده بایستی می‌آید، کاش می‌آید، شاید می‌آید.

«می» از لحاظ رابطه آن با وجه فعل در گذشته علاوه بر مواردی که شمردیم در این موارد می‌آمده است و نشان می‌داده است که این پیشوند تا قرن هشتم و نهم برخلاف امروز نشانه وجه فعل نبوده بلکه با آن هیچ رابطه‌ای نداشته زیرا هم با وجه امری می‌آمده است و هم با وجه التزامی و هم با وجه اخباری.

اینک موارد استعمال «می» در رابطه آن با وجه فعل در قدیم علاوه بر آنهایی که امروز رایجست.

الف - می و فعل امر - «می» و صورت قدیمتر آن «همی» در گذشته بر خلاف امروز بر سر فعل امر هم می‌آمده است و در این حال گاهی بر استمرار دلالت میکرده است ولی گاهی هم جنبه استمراری نداشته است مانند: تو می‌خواهی تا ترا منادمت میکنم (دارابنامه طرسوسی ص ۱۹۵ ج ۱ تصحیح دکتر صفا). می‌فکن برصف رندان نظری بهتر از این (حافظ)

ب - می و مضارع التزامی - امروز «می» وقتی با مضارع بیاید فقط بر وجه اخباری دلالت میکند ولی در قدیم شکل امروزی مضارع اخباری بر مضارع التزامی نیز دلالت میکرده است و در این مورد می و همی گاهی بر استمرار دلالت مینموده است و گاهی هم جنبه استمرار نداشته است مثال:

یا به که وی نیز هم بر این رود و میان دل را به ما مینساید و صلاح کارها میگوید (بیهقی ص ۹۱). دوم قوتیست که بدرقه این غذا بود تا به اطراف میرسد (چهار مقاله ص ۱۰ تصحیح دکتر معین). گفت تا این پنج پهلوان را خلاص نمیکنم نمی‌آیم (دارابنامه بیغمی ص ۴۱۲ ج ۱).

ج - می و ماضی بعید احتمالی - در قدیم «می» بندرت بعنوان نشانه شرط

و احتمال بر سر ماضی بعید نیز در میآمنده است. مانند: اگر داده می بود ایتهمه فتنه و حرب و آشوب واقع نمیشد (دارابنامه بیغمی ص ۵۲۰ ج ۱). امروز میگویند اگر داده بود و در قدیم هم بیشتر میگفته اند اگر داده بودی .

۵- می و ماضی نقلی التزامی- «می» باماضی نقلی نیز گاهی برای دلالت بر احتمال و التزام میآمده است مانند: از بس پیغامبران ائمه دین بر این بوده اند که حق بیت المال را می بستاده اند (کشف المحجوب هجویری ص ۲۰۵ تصحیح ژوکوفسکی). «می بستاده اند» یعنی «بستند» .

بنابراین «می» که امروز بیشتر نشانه وجه اخباریست و گاهی هم در ماضی بر وجه التزامی دلالت میکنند در قدیم ارتباطی با وجه فعل نداشته و با سه وجه اخباری و التزامی و امری بکار میرفته است.

جنبه التزامی و احتمالی «می» و «همی» در قدیم از یک لحاظ قویتر بوده است و از یک نظر ضعیفتر جنبه قوت آن از این نظر است که در قدیم بسا مضارع التزامی هم میآمده است ولی امروز نمیآید و جنبه ضعف آن اینست که در قدیم باماضی مطلق احتمالی کمتر از امروز میآمده است و در این مورد بجای آن در قدیم از پسوند «ای» استفاده میشده است.

۲- «می» و نمود فعل ۱ - «می» از قدیم تا کنون بر استمرار و عمل در جریان ۲ و بعبارت دیگر بر نمود فعل دلالت کرده است با این تفاوت که در گذشته

- ۱- مراد از نمود فعل جریان آنست در زمانی معین . این اصطلاح بوسیله آقای دکتر خائوری در برابر Aspect برگزیده شده است
- ۲- عمل در جریان یعنی عملی که تمام نشده است و در زمانی معین در حال انجام شدنست و خود بر چند قسمت است:

این جنبه «می» بسیار قویتر از امروز بوده است و امروز ارزش استمراری «می» بخصوص در مضارع ضعیف شده است بطوری که در زبان محاوره برای جبران این ضعف از فعل معین «داشتن» استفاده میشود مانند: «دارم میروم» بجای «میروم» و «همی روم» در قدیم و «داشت میرفت» بجای «میرفت» و «همی رفت» در قدیم.

با اینحال «می» امروز هم در مضارع بدون فعل معین داشتن علاوه بر آنکه نشانه وجه اخباری است گاهی بر استمرار و عمل در جریان نیز دلالت میکند مانند: «از دیروز تا حال درس میخواند» یعنی دارد درس میخواند. چه میکنی؟ دیروز درس میخواندم، کاغذ من نوشتم یعنی: کاغذ مینویسم. یعنی داری چکار میکنی؟ دارم کاغذ مینویسم.

«می» در ماضی بدون معین داشتن بیش از مضارع بر استمرار دلالت میکند مانند: داشتم درس میخواندم. داشت کاغذ مینوشت.

مثال از قدیم برای مضارع در جریان از بند ۳۶۹ لازار: من نمیدانم کجا همی روم (ترجمه تفسیر طبری). این چیز که تو همی خوری (دانشنامه علائی). من بیمارم و اینک همی روم (بلعمی) (آینده قریب الوقوع)

مثال برای ماضی در جریان از قدیم از بند ۳۸۷ لازار: چون به راه اندر همی شد جغدی را دید (تاریخ بلعمی). پیغامبر را یافتند که همی نماز کرد او را خیر دادند (بلعمی).

بقیه پاورقی از صفحه قبل

۱- عمل در زمانی معین ادامه دارد مانند: «او حالا دارد آواز میخواند، او دیشب داشت آواز میخواند»

۲- عمل از گذشته تا زمانی معین ادامه دارد مانند: «از دیروز تا حال دارد کار می کند» «از پیرروز تا دیروز داشت کار می کرد»

۳- آینده قریب الوقوع (Futur imminent) مانند «او دارد می رود» که از اقسام نوع دومست.

«می» و «همی» در فعلهائی که در قدیم بر عمل در جریان دلالت میکرده‌اند قابل حذف نبوده‌است مگر در بودن و داشتن و بایستن و افعال حالتی دیگر از قبیل ترسیدن و دیدن و آندوه خوردن (لازار) ولی امروز در فعلهای بودن و داشتن همیشه «می» حذف می‌شود مانند: «او الان در تهران اقامت دارد» بجای «میدارد» اوشب ساعت ۸ در خانه بود بجای «می بود».

می استمراری وقتی بر غیر از عمل در جریان دلالت کند این امورا می‌رساند:

الف - بر عملی کلی و عام که زمانش معین نیست و همچنین بر اموری که ناشی از پدیده‌های طبیعی است دلالت میکند. این امر خاص مضارعست و «می» از این لحاظ در گذشته و حال تغییر چندانی نکرده است. مثال: در بهار درختان سبز میشوند (خواه بهار گذشته یا حال یا آینده). فلزات در نتیجه حرارت منبسط میشوند (چه در گذشته و چه در حال و چه در آینده). آتش از هوا همی بدان پدید آید که ما به سنگ و آهن مر هوا را بدریم (زاد المسافرین از بند ۳۷۳ لازار).

در قدیم این نوع فعل بدون همی و می هم ممکن بوده‌است (لازار بند ۳۷۳) اما امروز چنین نیست. مثال: رود دجله اندر میان وی بگذرد (حدود العالم) بجای میگذرد.

ب - عملی که حد و زمانش مبهم است و معین نیست^۱ در این صورت ممکن است فعل بر دوام یا تکرار و عادت یا عمل تدریجی یا توزیع دلالت کند خواه در ماضی و خواه در مضارع و خواه در امر و «می» از این لحاظ در گذشته

۱ - نوع اول که برای مضارع گفتیم قسمیست از نوع دوم.

و حال تغییر چندانی نکرده است.

مثال برای دوام (مضارع): کار می‌کنیم تا موفق شویم. و همچنان همی

کنیم تا به زبرترین مرتبه رسیم (التفهیم از بند ۳۷۵ لازار)

مثال برای ماضی: ما مرتب کار می‌کردیم، می‌آزمودم ترا به نعمتی از پس

نعمتی، (تفسیر کمبریج از بند ۳۸۳ لازار)

مثال برای تکرار و عادت (مضارع): هر روز به مدرسه می‌رود. هر روز

آن سرکه بیرون همی ریزند و نو باز همی کنند (کتاب الابنیه از لازار بند ۳۷۵)

مثال برای عادت و تکرار (ماضی): او سال گذشته هر روز با دانه میرفت.

سراو بسنگ همی زد (تاریخ بلعمی از بند ۳۸۳ لازار). از باب صدقه هر روز

هزار دینار همی داد (تاریخ سیستان از بند ۳۸۳ لازار).

مثال برای تدریج یا عمل افزایشی و کاهشی (مضارع): هر روز حالش

بدرتر میشود، چون نوراو همی فزاید سعد بود و چون توراو همی کاهد نحس بود

(التفهیم از بند ۳۷۶ لازار). پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مثال برای تدریج یا عمل افزایشی و کاهشی (ماضی): هر روز وضعش

بدرتر میشد، هر روز حمد و ثنای خدای زیادت می‌گفت (تفسیر کمبریج لازار

بند ۳۸۳).

مثال برای تدریج (امر): هر روز به زیادت فرسنگی همی رو (مفتاح

المعاملات ص ۱۰۳).

یادآوری - معانی تکرار، عادت، عمل تدریجی و غیره بیشتر بوسیله

قیود زمان مشخص میشود و شاید هم چندان به «می» مربوط نباشد.